



سخنگوی انجمن سینماداران، توضیحاتی را درباره قیمت بلیت ۸۰ هزار تومانی سال‌های سینما ارائه کرد. یکی از موضوعاتی که این روزها به صورت جسته و گریخته به آن پرداخته می‌شود، مربوط به تغییر قیمت بلیت سینماهای کشور و شناور بودن آن است که به نظر می‌رسد بسیاری از مخاطبان عمومی سینما از آن بی‌اطلاع‌اند و این موضوع به شفاف‌سازی بیشتری نیاز دارد.

ماجرای بلیت ۸۰ هزار تومانی سینماها چیست؟

آیا سینمای هند علیه ایران گام برمی‌دارد؟

ایران ستیزی؛ بالیوود در مسیر هالیوود

اتفاق نیتفادان است) این حس را به بیننده می دهد. این گاف درشت نشان دهنده عدم شناخت سازندگان فیلم از فضای ایران امروز است. با این حال، سازندگان فیلم برای خلق هیجان و تنش، رفتاری خشن و غیرمعمول را برای نیروهای نظامی مرزی ایرانی ترسیم می کنند که طی آن، فرمانده ایرانی ابتدا سه مهاجر هندی را به ضرب گلوله به قتل می رساند و بعد به کاراکتر اصلی زن فیلم تعدی می کند.

فیلمساز نا آشنا با کشور همسایه

کارگردان فیلم راجکومار هیرانی از چهره‌های مطرح سینمای هند است. چند ساخته قبلی او که با موفقیت بالایی مالی در جدول گیشه سینماهای هند روبه‌رو شده‌اند (و جالب اینجاست که تنها طی سال‌های گذشته در تلویزیون ایران هم بارها به نمایش درآمده‌اند) روی مضامین و مشکلات موجود در جامعه هند پرداخته و با زبانی طنز و گزنده به بررسی و انتقاد از کاستی‌ها و ناسامانی‌های موجود در جامعه این کشور پرداخته و رنگارنگ از لحاظ موضوع و مذهب پرداخته است. بررسی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا فیلمسازی که نسبت به مسائل و مشکلات موجود در کشورش آگاهی و حساسیت دارد و به شکلی دقیق و جذاب به طرح غیرشعاری آنها در فیلم‌هایش می‌پردازد، چگونه تا این حد نسبت به اوضاع و شرایط کشور دردمندی که چند دهه پیش با آن همسایه بوده بی‌تفاوت دردمندی که چنین بازیگری را متکب می‌داند، از این نظر فقط یک یا دو نفر است خود که هنرمندانی است که بیشترین تعامل‌های فرهنگی را در قرن‌های گذشته با ایران داشته‌اند و ادعای روشنفکر بودن کرده و می‌گویند با تاریخ و مسائل همسایگان خود نیز آشنا هستند، دست به چنین اشتباه تاریخی بزرگی می‌زنند. شاید بد نباشد کسانی از هموطنان ما دیداری با راجکومار هیرانی داشته و شرایط ژورنال را برایش توضیح دهند تا متوجه شود چه خطایی کرده‌اند.

❄️ استثنایا یک رویه معمول؟

حالا این پرسش می‌تواند مطرح شود که آنچه در دانکی
رخ داده یک استثنای تنها یک مورد زودگذر بوده یا باید
آن را یک سیاست کلی قلمداد کرد که قرار است در آینده
ادامه داشته باشد و باز هم شاهد تولید تعداد دیگری از

آیا هند و صنعت سینمای پرکار
و انبوه‌ساز آن، علیه ایران موضع
گرفته و قرار است دست به تولید
فیلم‌هایی ضد ایرانی بزند؟
آیا کشوری که از دیرباز روابطی
صمیمانه و دوستانه با ایران
و ملت آن داشته، می‌خواهد

چهره‌ای منفی از مردم کشوری که چند دهه پیش با آن همسایه بوده، ارائه دهد؟ آیا برای هنرمندان سینمای هند که به صورت طبیعی از دیرباز به بدلائل تاریخی و سیاسی، با کشور پاکستان مشکل و زاویه داشته‌اند، حالا قرار است کشور دیگری را هم به این مجموعه دشمن‌ستیزی خود اضافه کنند؟ شواهد امر و واقعیت‌ها موجود نشان می‌دهند آن است که باید و می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ منفی داد اما اگران عمومی درام اجتماعی جدید شاهرخ خان (که به پادشاه مسلمان بالیوود شهرت دارد و حتی گفته می‌شود از ناحیه پدربزرگ خود، اصالتی ایرانی دارد) به نام «دانکی»، باعث نگرانی‌هایی در این رابطه شده و برای بسیاری این پرسش را مطرح کرده است که سازندگان این فیلم پیش خود چه فکر کرده‌اند که در یکی از سکانس‌های آغازین آن، ایران و ایرانی را به صورت چهره‌ای شورو و بدمن محصولات هالیوودی به نمایش می‌گذارند که هدف و به قصد کشتار، به سمت فراریان درآمده هندی‌های شلیک می‌کند و در تاجاو به عنف می‌زنند.

موضوع چیست؟

قبل از هر چیز باید دید دانگی دربار چه چیزی صحبت می‌کند. خط اصلی داستان فیلم در ارتباط با مشکلاتی است که برخی از ساکنان دهه‌های مهاجرت غیرقانونی به غرب و کانادا دارند. اصطلاح مهمی لقب این‌گونه اقدامات و اشاره‌ای به مهاجرت‌های نام‌دار با فرار و غیرقانونی است. شاهرخان و تاپسی پاتو، بازیگران سرشناس دهه‌های دانگی نقش کارکنانهایی را بازی می‌کنند که همراه دو دوست دیگر خود، به دنبال فرار و مهاجرت غیرقانونی به غرب هستند. این داستان هیچ ارتباطی با ایران پیدا نمی‌کند و لحن انتقادی‌اش متوجه برخی سیاست‌های مهاجرتی کشور هند و اندام‌کاری‌های مردمی است که قصد خروج غیرقانونی و قاچاق از هند را دارند اما این مهاجران قاچاق، هنگام سفر غیرقانونی خود از مناطق چون پاکستان، افغانستان و ایران هم رد می‌شوند. در خاک ایران و در منطقه مرزی است که مردم نیزه‌های نظامی ایرانی دستگیر و مورد تحقیق و قبل قرار می‌گیرند. بآن‌که داستان دانگی در شرایط معاصر و روز رخ می‌دهد، فضای ایران هیچ شباهتی به فضای امروز ندارد و مأموران مرزی بیشتر شبیه مأموران دوران حکومت پادشاهی سابق هستند، لباسی که تن آن‌هاست و موسیقی که از رادیوهای آنها پخش می‌شود (خوانندگانی که صدایش بسیار شبیه ویگن است و ترانه‌ای خوانده می‌خواند که همه می‌دانیم در ایران امروز چنین چیزی غیرمعمول و

قاب



سفر به «توچال» در سینماها

فیلم سینمایی «توچال» به کارگردانی محمدآهنگرانی و تهیه‌کنندگی سیدمحسن جاهد از اواردی به امان خواهد شد.

این فیلم محصول سال ۱۳۹۶ و پس از چند سال قرا‌ر است به نمایش عرضه پرسد. در خلاصه داستان این فیلم درام آمده می‌باشد «عشق گاهی در یک ظهر داغ تابستان می‌آید و گاهی در عصر برفی یک روز زمستانی. در انتهای روز آفتاب غروب و در گذر زمان بره‌ها آب خواهند شد اما عشق چون قله توچال استوار و باشکوه خواهد ماند».

در این فیلم پژمان بازی، لایلا راز، دیبا زاهدی، علی فرهنگی، شهاب‌شادابی، مانی طرلانی، امیر هدایتی و بیتا ایمانی بازی کرده‌اند.

دیدگاه

سینماگران، روایتگر اقدامات ضد انسانی باشند



رویی به جنایت تروریستی دردناک و تلخ کرمان اشاره و خاطرنشان کرد: سینما امروز باید روایتگر مظلومیت شهدای این اقدام تروریستی و همه فجایع خدائسانی باشد که در جای جای این کره خاکی از کرمان تا غزه از لبنان تا یمن و فلسطین رخ می دهد. سینما امروز باید تصویرگر شهادت دختر خردسال معصوم با کایش صورتی و گوشواره قلبی در جنایت کرمان باشد.

وی سپس خطاب به جامعه هنری و سینمایی تصریح کرد: شما سینماگران امروز رسالت خطیر و حساسی را بر عهده دارید. چرا که مهم‌ترین ابزار تبیین یعنی ابزار تأثیرگذار تصویرسازی و سینما را در اختیار دارید./ مهر

سینمای جهان

دعوای پدر و پسر به سبک آلن دلون



ایرانی در تولیدات بالیوودی قرار نیست به صورت یک رویه دائمی درآید و تماشاگران فقط با یک مورد استثنا طرف بوده‌اند. در بین انبوه تولیدات بالیوود تا امروز این پاکستانی‌ها بوده‌اند که به صورت شخصیت‌هایی منفی به تصویر کشیده شده‌اند. دلیل آن هم کاملاً آشکار است. بعد از جدایی پاکستان از هند و تأسیس کشور مستقل پاکستان، روابط بین دو کشور همواره هند و پاکستان همواره با تنش، جنگ و درگیری همراه بوده است. از دیگری فرصت مناسبی برای اهل صنعت سینمای هند فراهم کرده تا دست به تولید انبوه فیلم‌هایی بزنند که در آن پاکستانی‌ها دست به انواع و اقسام شرارت‌ها و درنده‌خوئی‌ها بزنند و در پایان ماجرا، توسط قهرمانان خوش چهره بالیوودی به‌سزای اعمال خود برسند. نکته جالب توجه این است که طی دهه‌های گذشته که در کشور رابطه دوستانه‌ای نداشته و نمایش عمومی تولیدات بالیوودی در پاکستان ممنوع بوده، تماشاگران علاقه‌مند به بالیوودی همین فیلم‌ها و هنرهای ضد پاکستانی را به صورت قاچاق تهیه و تماشا کرده‌اند!

یک اتفاق بعید

اما بعید به نظر می‌رسد که مشابه چنین پیزی در رابطه با دو کشور ایران و هند تکرار شود. دو کشور ایران و هند و مردم آن، سال‌هاست به شکلی صلح‌آمیز و دوستانه در نزدیکی یکدیگر زندگی کرده و همیشه با الحی محبت‌آمیز دربار یکدیگر سخن گفته‌اند. جا دارد رویکردهای در راه‌های بین‌المللی کشور با ایرانی و فعالیت‌های فرهنگی در رابطه با نوع تریسم احتمالی چهره ایرانی در تولیدات هندی صورت گیرد، تا بعد از این شاهد وقوع اتفاقاتی از قبیل داکتی نباشیم.

فیلم‌هایی باشیم که ایرانی‌ها را منفی و خشن به نمایش می‌گذارند. صنعت سینمای هند در شهر ممبای و مرکز سینمایی آن بالیوود، سالانه حدود ۸۰ محصول هندی زبان تولید می‌کند که ستارگان مشهوری را در نقش‌های محوری خود دارد. این فیلم‌ها در ژانره‌ها و گونه‌های متعدد و متنوعی تولید می‌شوند که یک سر آن ملودرام‌های متعددی است. عاشقانه‌ها و جوان‌پسند است و یک طرف دیگر آن اکشن‌های ماجراجویانه و دلپره‌آور. بین این همه طیف متنوعی از گونه‌های مختلف، خود را به نمایش در معرض دید تماشاگران انبوه خود قرار می‌دهند. تا اینجا کار، دانگی حکم یک استثنا را دارد که البته نباید به آسانی از کنارش رد شد. تا قبل از این فیلم یا فیلم‌هایی در بالیوود ساخته نشده که ایران یا یک ایرانی شخصیت محوری داستان باشد و در بین تولیداتی که در یک سال اخیر تهیه و آماده نمایش شده نیز، نمی‌توان به چنین موردی برخورد. این مسئله می‌تواند حکایت از این نکته بکند که ترسیم و ارائه چهره‌ای خشن و خبیث از ایران و

برش

بیوی توطنه از نزدیکی دولت هند به غرب

بر خود را بر مناسبات سینمایی و فرهنگی می‌گذارد و شاید بتوان گفت نزدیکی بیشتر به فرهنگ غرب و آمریکا، شاید زمینه را برای نمایش صحنه‌هایی شبیه آنچه در دانکی دیده می‌شود، روابط چین هندی و ایران که مربوط به امروز و دیروز نیست و قدمتی به طول دهه‌ها و وقوع چنین چیزهایی را به حداقل برساند و سینما را وسیله‌ای برای نمایش دروغ و خیال‌پردازی‌های بی‌اساس قرار دهد. ضمن آنکه افزایش تعاملات فرهنگی و سینمایی می‌تواند جلوی دسیسه چینی‌ها را بگیرد و کشور خنثی کند.

یادداشت روز

امیر حسین حیدری | گروه فرهنگ و هنر

نگاهی به فیلم «جوجه تیغی»

علیه فرهنگِ مثل جوجه تیغی!

ستانه مهاجر به عنوان اولین تجربه فیلم‌سازی خود دوستی موضوعی خاص گذاشته و فیلم بحث‌برانگیزی ساخته است. دوستی تبیینی یک قدم از دیگر کمدی‌هایی که پیش از این کار شده، جسورتر است؛ زیرا یک کمدی صرف نیست که به دوگان افشاده باشد بلکه حرف‌های برای گفتن دارد اما آن‌که بچقدر در بیان کردن حرف‌های خود موفق بوده یا خیر، موضوعی است که در ادامه به آن می‌پردازیم. فیلم جوجه تبیینی دارای سه محور اصلی است: نقد سیاسی، فمینیسم و نقد اجتماعی. محور اول که هسته داستان را شکل می‌دهد و باعث می‌شود فیلم برجسته کمدی سیاسی بخورد، در واقع فیلم با آن استانی شروع می‌شود که زنی که نماینده مجلس است به همراه دختر و دوستش در حال آمادسازی مقدمات کار برای شرکت در انتخابات راست‌جمهوری است؛ پستی سیاسی که بانوان برای رسیدن به آن با محدودیتی روبه‌رو هستند. اما محدودیتی که در چند دهه سال‌های اخیر در وزیرین سیاسی کشور مسکوت مانده است اما همچنان محل اختلاف در جامعه و نقطه‌ای است که نگرانی‌های سیاسی در فضای سیاسی کشور است. نکته دیگری که در فیلم خودنمایی می‌کند و حاصل نمادپردازی کارگردان در سکانس‌هایی تکراری است تباری مخاطب جانیفتد، نقطه نظری است که کارگردان نسبت به نیروهای امنیتی دارد؛ جوجه تبیینی در چند سکانس نشان می‌دهد که مقام عالی نیروی امنیتی در چندان علامت نظامی‌حرب معقول را ناسیم را نشان می‌دهد که وجود چنین سکانس و نمادپردازی‌ای را بیرونی امنیتی ایران چطور توانسته از رفتار ارشاد محور بگیرد. که خود جای سوال دارد. محور دوم فیلم که خیلی بیشتر از پیچک سیاسی داستان بر تمام لحظات فیلم سایه انداخته است، بحث‌های فمینیستی فیلم است. فیلم جوجه تبیینی کاملاً می‌پویا، پتان و مرد تفاوت می‌گذارد. در این فیلم تمام زنان با نوع پوشش متفاوت، نگاه اجتماعی‌ای و سیاسی مختلف هستند. دموکراسی و دموکراسی مشترک هستند، همه زانی موفق و مظلوم هستند.

